



مساند برای ممانعت

روشن‌هایی برای خلق سریع داستان

فخر السادات موسوی
لورا ویت کمب



سفر صریح و آسان

سرشناسه: ویت کمب، لورا، ۱۹۵۸ - م.

Whitcomb, Laura

عنوان و نام پدیدآور: میانبرهای رمان؛ روش‌هایی برای خلق سریع داستان / لورا ویت کمب؛ [ترجمه] فخرالسادات موسوی؛ [بهمسفر] بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران. - تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۰. - ۱۶۲ ص.

فروست: کام به کام تا داستان نویسی حرفه‌ای؛ ۲.

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۰۶-۵۰۲۶-۰۰

ج ۲: ۷-۵۰۲۷-۰۳-۰۰-۶۰۰-۶۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: Novel shortcuts: ten techniques that ensure a great first draft, c2009. عنوان اصلی:

یادداشت: چاپ قبلی: عصر داستان، ۱۳۹۶.

عنوان دیگر: روش‌هایی برای خلق سریع داستان.

موضوع: داستان‌نویسی

Fiction - Authorship موضوع:

شناسه افزوده: موسوی، فخرالسادات، ۱۳۴۰ - مترجم

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

شناسه افزوده: بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران

رده‌بندی کنگره: PN۳۳۶۵

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۵۲۴۴۳۱

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا



باسکن
بارکود
نظرسنجی
این کتاب
شماره
نمایید.

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



سوره مهر

۲

میانبرهای رمان

روش‌هایی برای خلق سریع داستان

نویسنده: لوراویت کمب

مترجم: فخرالسادات موسوی

طراح جلد: مقداد شیرعلی

کارشناسی تخصصی برای تولید این کتاب با همکاری بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان و انتشارات سوره مهر انجام شده است.

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک جلد ۷-۲-۵۰۲۷-۳-۵۰۰۰-۶۷۸-۹۷۸

شابک سوره: ۰-۲۶-۵۰۳-۳-۵۰۰۰-۶۷۸-۹۷۸

نشانی انتشارات: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک

۳۳، تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۹۵۱

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان سمیه، نویسنده به خیابان

حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۲-۱۹۴۶۷۸۱

فروشگاه انقلاب: تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،

جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۳۳، تلفن: ۹-۶۴۴۷۶۵۶۸

فروشگاه اصفهان: اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،

کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۶-۳۲۲۴۷۷۳۵-۳۱

Sooremehr.ir

Mehrak.ir

@Sooremehr

۶۶۴۶۰۹۹۳ (پنج خط)

۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

۳۰۰۰۵۳۱۹

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

دانلود کتابخوان سوره مهر

با وارد کردن کد تخفیف hisama در اولین خرید خود از کتابخوان سوره مهر ۵۰٪ تخفیف بگیرید.



فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	مقدمه مترجم
۱۵	فصل اول: دست‌یابی به هستهٔ رمان
۱۸	دلیل انتخاب یک داستان
۲۰	مشخص کردن چکیدهٔ داستان
۲۱	او کیست؟
۲۳	او کجاست؟
۲۶	مشکل چیست؟
۲۷	فهرست مشکلات
۳۰	شاخ و برگ دادن به شکل اصلی داستان
۳۳	وقتی یک چکیده خوب بد پیش می‌رود
۳۴	موافقی که چکیدهٔ داستان می‌خواهد می‌شود
۳۶	وقتی چکیدهٔ زیباترین رو به افول می‌گردد که
۳۹	اجزای جالب
۳۹	نوشتن متن پشت جلد کتاب به عنوان مکاشفه
۵۲	نکاتی بیشتر برای نوشتن متن پشت جلد کتاب
۵۴	یادداشتی دربارهٔ عنوان داستان‌ها
۵۶	راهکاری برای تمرکز هرچه بیشتر شما
۵۹	فصل دوم: برنامه‌ریزی نحوهٔ روایت داستان
۶۲	زاویه دید: راوی داستان چه کسی است؟
۶۷	تقویت گویش راوی داستان
۷۱	خلق لحن متمایز
۷۶	سبک متضاد با محتوای داستان
۷۷	سبکی با دو لحن روایت
۷۹	لحن
۸۲	ایزار داستان‌نویسی
۸۷	اشیای جالب

مقدمه

من از آن موفق‌های یک‌شبه‌ام که روند شکل‌گیری توفیقش بیست سال طول کشید. وقتی نمایندهٔ ادبی‌ام، آن ریتنبرگ^۱، نخستین رمانم، پرتو ناچیز نور، را به هووتون مفلین^۲ فروخت، بیست سال بود که مشغول نوشتن بودم. فکر می‌کنم این یکی از دلایلی بود که آن ریتنبرگ مرا انتخاب کرد تا با او در نوشتن کتاب نخستین رمان شما برای انتشارات دایجست بوکز رایترز^۳ همکاری کنم. او ایده‌های من و سخت‌کوشی‌ام در مسیر نویسنده شدن را تحسین می‌کرد. پس از ابتدا شروع کردم؛ از سماجت کردن در یک ایده تا اصلاح استعاره‌ها و خلاصه به‌کارگیری همهٔ شیوه‌ها و ترفندهایی که در راه نویسندگی کمک می‌کرد.

زمانی که رمان دومم هنوز در حد نمونه و خلاصه بود به فروش رفت و من با اولین ضرب‌الاجل برای نوشتن داستان مواجه شدم. تندنویسی را خوب بلد بودم. در طول تعطیلات آخر هفته، سال‌ها تمرین کرده بودم تا پیش‌نویسی به‌دردخور بنویسم. البته، بگذریم که بعداً ماه‌ها برای تکمیل آن با خودم خلوت کردم. می‌دانستم چگونه خوب بنویسم. به روند بازنگری هم خیلی علاقه‌مندم و می‌دانستم که پیش‌نویس نهایی خیلی خوب باید

شبیهِ کار قبلی‌ام، پرتو ناچیز نور، باشد. مشکلم این بود که برای رساندن کار جدید به دست ناشر عزیزم فرصت کمی داشتم؛ کاری که یا آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد یا به‌کلی ناامیدشان می‌کرد.

چیزی که نیاز داشتم روشی بود که با پرشی سریع مرا به پیش‌نویسی عالی برساند. نمی‌توانستم منتظر غنای ادبی، زیبایی، یا معجزه‌ای بمانم که معمولاً در پیش‌نویس سوم حاصل می‌شود. بنابراین، شروع کردم به محک زدن همهٔ چیزهایی که فکر می‌کردم در حداقل زمان می‌توانند مرا به مقصود برسانند. تکنیک‌های جدیدی را کشف کردم و برخی فنون قدیمی را به کار بستم تا هرچه سریع‌تر بتوانم داستانم را خلق کنم. اوایل کار گاهی ممکن بود از فنون نگارشی عجیب و غریب اکتشافی خودم خجالت بکشم؛ اما امروز بر آنم که با سجع‌های حقایقی را دربارهٔ نحوهٔ نگارشم بیان کنم. همیشه تصور می‌کردم نویسندهٔ عجیبی هستم و دیگران به‌سختی می‌توانند با عادات نگارشی من ارتباط برقرار کنند؛ اما هر قدر با نویسنده‌های بیشتری آشنا شدم، فهمیدم اغلب ما نویسنده‌ها آدم‌های عجیب و غریبی هستیم. پس اگر تکنیکی در مورد من کارساز بوده، احتمالاً به درد شما هم می‌خورد.